

کتابه‌های سیاه مشقی

استاد محترم آقای ایرج افشار در دفتر سوم «نامه بهارستان» (بهار - تابستان ۱۳۸۰) در مقاله سودمند و پرفایده «کتابه‌سازی بر جلد نسخه خطی» (ص ۲۱ - ۴۴) که سرشار از نکته‌های بدیع در مورد تزینات کتابه‌دار جلد‌های نسخ خطی است و برای علاقه‌مندان این امور گنجی شایگان و افاضه‌ای رایگان، عطف توجه‌ای به جلد‌های ساخت حقیر به شرح زیر نموده‌اند:

«۹) کتابه در جلد‌های کهن و سیله آرایشی و خوش‌نمایی جلد‌بده است ولی به‌رحال معنایی رابه‌ذهن بیننده متبادر می‌گردد. اکنون صحاف... کرمانی... بنا را بر این گذاشته است که نوشته منحصرأ برای آرایش باشد مانند آوردن قطعه سیاه مشق بر تمام سطح جلد. (تصاویر ۲۳ و ۲۴)».

ضمن اظهار تشکر از ذره‌پروری و لطف ایشان که همیشه شامل حال من بوده است، با اجازه ایشان توضیحات زیر را خالی از فایده نمی‌دانم.

تزینات خطی این جلد‌ها اکثراً همانطور که فرموده‌اند سیاه مشق بوده و برخلاف معمول گذشته، تمام جلد را فرامی‌گیرد. این مشق‌ها به خط دوست این جانب، هنرمند خطاط کرمانی، آقای علی رشیدی است که با خطی استوار و شیوه‌ای دقیق به رسم کهن کتابت شده است و دوست صنعت‌گر دیگرم، آقای تیمور نجابت‌شعار، آنها را در گراوور سازی سایه روشن کرمان به کلیشه درآورده است.

اشعاری که در این کلیشه‌ها به کار رفته است ۶ فقره و به قرار زیر است:

- ۱) کس ز آغاز و ز انجام جهان واقف نیست اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است
- ۲) این جلد که هست خلد از او افسوسی از نقش طلاست گنج دقیانوسی
- برهم چو نهی غنچه شود، گلزاری چون باز کنی چتر زند طاووسی
- ۳) این جلد که هست همچو خویان طراز آراسته پیکریست پوشیده به راز
- گونی در جنت است کز عالم قدس بر ناظر این کتاب می‌گردد باز

- با اعتذار از روح حافظ:

- ۴) بدین جلد نفیس و نغز عجب از مشتری دارم که سر تا پای صحافش چرا در زر نمی‌گیرد!
- ۵) دفتر صوفی سواد و حرف نیست جز دل اسپید همچون برف نیست
- ۶) آنکس که ز شهر آشنان نیست داند که متاع ما کجائست

بیت شماره ۱ به خاطر تجانس بین نام صحافی این جانب و لفظ «کهنه کتاب» انتخاب شده است،

گویانکه بعد از اینکه این شعر را به دوست خطاط خود سفارش دادم دریافتیم که صحیح عبارت در مصرع اول «آگه نیست» است به جای «واقف نیست»، اما برای اصلاح، کار از کار گذشته بود و عدو سبب خیر شد چرا که در سیاه مشق کلمه «واقف» شکیل‌تر و زیباتر از «آگه» درآمد. (تصویر شماره ۲۴ مقاله)

دوربای شماره ۲ و ۳ که اولی از کتاب «صحافی سنتی» و دیگری از مقاله مرحوم جمالزاده در مجله یغما اقتباس شده‌اند گرچه به اصطلاح در «غیر ما وضع له» قرار گرفته‌اند بیشتر بار زیبایی‌شناسی دارند تا بار کلامی و معنا، که به هیچ وجه شرح و وصف جلد من با این عبارات همسنگ نیست که کار من کجا و ساختن جلدی که اگر بازش کنی مثل چتر طاووس شود و اگر ببندیش گلزاری تبدیل به غنچه‌ای و یا در بهشت که به روی اهلش باز شود و... کجا.

بیت شماره ۴ دستکاری در شعر حافظ است. به امید اینکه روح بلند شاعر اعتذار مرا بپذیرد. باز هم در اینجا بار زیباشناسی مطرح بوده است نه کلامی. خوشبختانه سیاه مشق تو در تو و کم زمینه آن به کمتر کسی اجازه می دهد تا جاذبه زیبایی بصری آن را فدای معنای کلامی آن کند.

بیت شماره ۵ وصف الحال دفترهای سفیدی است که در «بین الدفتین» چرمی می گذارم و چرم را با انواع خط ها، نقش ها و بوته ها می آرایم. (تصویر شماره ۲۳ مقاله)

و بالاخره بیت شماره ۶ بیشتر قرار است جوابی باشد به مشتریانی که از کم و کیف و قیمت جلدها سؤال می کنند و کمتر از شهر آشنایی اند و ناآگاه از متاع، که نمی دانند کجایی است که تیماج بزکرمانی و میشن میش سیرجانی است! والسلام.

محمد حسین اسلام پناه

«صحافی کهنه کتاب» - کرمان

۲۵ دی ۱۳۸۰



« تصویر ۲۲ »



« تصویر ۲۳ »

(تصویر)